

آقای محبی امید وارم ناراحت نشوید حرکت های شما به کارگران بسیار ضربه می زند .

آقای محترم ای کاش ما هم آنقدری که شما و رفقای بی نامتان وقت دارید و احتمالا "پول زیادی دارید که می توانید این همه وقت بگذارید و به همه انگ بزنید و کسانی را که از جان خود مایه می گذارند را غیر مستقیم به عنوان جاسوس و یا شکست خورده قلمداد کنید وقت و پول داشتیم بدون شک کسانی که در دهه شصت زندانی بودند می دانند زندانیان در همان دهه نیز تا آنجایی که ممکن بود مقاومت کرده و حتی مبارزه می کردند و در حین مبارزه اعدام نیز می شدند و برخی نیز اعدام نشدند اما مبارزه را بدلیل اینکه در زندان هستند متوقف نمی کردند . بدون شک این طریق ایجاد تشکیک در رابطه با زندانیان بخصوص در رابطه با شاهرخ زمانی خدمت ارزنده ای به جمهوری اسلامی است تا گفته ها و نوشته های این فعالین کارگری در دیگر کارگران تاثیر نگذارد اگر خود جمهوری اسلامی و ماموران شناخته شده اش در رابطه با فعالین کارگری فوق حرفهای که شما گفتید بگویند نه تنها کارگران نمی پذیرند بلکه بیشتر به فعالین کارگری می پیوندند اما وقتی از زبان شما جاری می شود نفاق و دودستگی بین کارگران را بشدت دامن می زند بنا براین حتی اگر این فعالین کارگری شکست خورده و تابع جمهوری اسلامی شده باشند یا حتی به جاسوس تبدیل شده باشند گفته ها و نوشته هایشان نمی توانند زیانی که شما با ایجاد چنین شکی بوجود می آورید به وجود بیاورند حال خود قضاوت کنید چه کسی در خدمت جمهوری اسلامی است و چه کسی در خدمت کارگران؟ شما و دوستان "کارگرتان" راه کارگر را به دلیل بر داشتن کلمه انقلابی غیر کارگری می دانید ، اصائلو را بدلیل پیوست به راست رد می کنید و محمود را به دلیل حرف هایش و رابطه با سندیکاهای راست فرانسو و اینکه جمهوری اسلامی کاری به کارش ندارد رد می کنید و شاهرخ و دوستانش را به خاطر اینکه درست بر عکس راه کارگر ، اصائلو و محمود حرف از انقلاب و راه های انقلابی و مخالفت شفاف با جمهوری اسلامی زده اند مورد شک قرار می دهید با توجه به چنین روشی که پیش گرفتید شما به کجا تعلق دارید ؟

نامی که برای نامه خود انتخاب کردید یعنی "قهرمانان پوشالی جنبش کارگری ایران ۲" نشان می دهد که همه افراد نام برده پوشالی هستند شما چطور؟ شما یا آن قهرمانانی که از نظر شما پوشالی نیستند کجایند؟

"توان و مقاومت انسان محدود است"

این عنوان مجموعه مطلب شک برانگیز شما است آنچه ما از این عنوان درک می کنیم اینکه فعالین کارگری که در متن از آنها نام بردید توان و مقاومت شان تمام شده و به جاسوس تبدیل شدند و بنا براین در بیانیه هایشان به خمینی و جمهوری اسلامی فحش می دهند و کسی کارشان ندارد دوست گرامی اگر جاسوسی این است ای کاش همه حتی شما نیز جاسوس بودید و چنین توانی داشتید. کسانی برای اینکه بتوانند به شما و بسیاری از مدعیان مبارزات کارگری مانند شما و دوستانتان بفهمانند که در هر شرایطی اگر قصد مبارزه باشد می شود مبارزه کرد جان خود را به خطر می اندازند اما شما و دوستانتان به بهانه اینکه کارگری نیستند و حتی برای آزاد کردن یقه و وجدان خود به آنها انگ می زنید. اگر با دیدگاه شما به موضوع نگاه شود می توان تمامی زندانیانی که در زندان مبارزه کردند و در مقابل زندانبانان نه گفتند و زیر شکنجه کشته شدند را نادان یا غیره قلمداد کرد مثلا "بیژن جزنی در زندان زیر شکنجه بود ولی هسته های چریکی در بیرون را هدایت می کرد از نظر شما وبا توجه به تئوری شما او ساواکی بوده است. چون مثل شما نبودند مثلا" اگر شما و دوستانتان که از آنها نقل قول آوردید واقعا" به چپ تعلق داشته باشید پس در دهه شصت یا کمی بعد تر در زندان بودید. سوالی که بر مبنای گفته های شما و نقل قول از دوستانتان به ذهن می آید از شما این است که : در دهه شصت زندانی یا باید تابع خواسته های

جمهوری اسلامی می شد(جاسوس می شد) یا کشته می شد پس شما چگونه از زندان آزاد شدید و توانستید به خارج آمده جان خود را نجات بدهید؟

چرا جمهوری اسلامی اجازه داد شما آزاد شوید آیا ...؟

یادم هست که در زمان جنگ بین ایران و عراق جکی بین همه در جریان بود به صورت زیر :
یکی از اسرا که آزاد شده و برگشته بود برای دوستانش از زندان عراق و بر خورد عراقی ها تعریف می کرده است که می گوید آقا اونجا همه ای اسرا را یا کشتند و یا ... آنوقت یکی از دوستانش می پرسد با تو چه کردند اسیر آزاد شده حاج و واج بعد از مکث طولانی می گوید منو کشتند"

حالا سوال من از شما و رفقایان که طبق نقل قول زیر می گوئید **سرانجام کشتار** است شما چگونه آزاد شدید؟

شما می گوئید:

بقول رفیقی:

راستش از این مسائلی که در مورد زندان و زندانیان سیاسی می شنوم منم دچار حیرت شده ام.
با شناختی که از **جمهوری اسلامی** داریم زندان در این جمهوری ترور، **خفقان**، **شکنجه**، **انفرادی**، **سرکوب** و **سرانجام کشتار** است.

ولی گاهی اخبار و صحنه هایی که از این زندان می بینیم تصویر دیگری به ما عرضه می کند :
اخبار به راحتی به بیرون فرستاده می شوند، **مقاله های شدید علیه رژیم** توسط زندانیان تهیه و بدست همه می رسد و زندانیان حتا در کمال "راحتی" بطور دسته جمعی **شب یلدا** برگزار می کنند و ... بنابر این، این با تصویری که ما از زندانهای جمهوری اسلامی داریم نمی خواند **یک چیز اما بی تردید است و آن اینکه رژیمی که در جامعه این همه جنایت می کند و به هیچ جنبنده ای امکان نفس کشیدن نمی دهد نمیتواند زندانهای "دموکراتیکی" داشته باشد.**

زندان در رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی بنا بر تعریف چیز دیگری جز ترور و خفقان تمرکز یافته علیه مخالفان نیست. در مورد کنترلی که رژیم بر همه چیز و همه کس دارد شکس نیست و سوال این است که در چنین شرایطی چگونه ممکن است که از زندان های رژیم مسایل به بیرون به این راحتی فرستاده شود.

رفیق دیگری می گوید :

این نامه فقط میخواهد بگوید که پس از روی کار آمدن **روحانی** وضعیت زندانهای ایران به حدی از آزادی و عدالت رسیده که میتوان چنین فحشهایی را بر روح **خمینی** داد و هنوز زنده و سر و مر و گنده در زندان بود. محتوای دیگری ندارد .
ربطی به کارگران و زحمتکشان هم ندارد

اما ما می گویم نه این گفته شما است نه کارگران ، این بیانیه دقیقاً" می خواهد مچ شما را بگیرد که ادعای کارگری و انقلابی دارید ولی هیچ کاری نمی کنید آنها از زندان می گویند اگر مایل به مبارزه هستید و اگر واقعاً" راست می گوید انقلابی و کارگری هستید مثل ما مبارزه کنید حتی اگر کشته شوید اگر راست می گوئید با تغییر چهره ، با درست کردن مدارک ، یا مخفیانه وارد ایران شوید و طبقه کارگر را سازماندهی کنید در آن صورت دیگر نیازی به فعالین کارگری مثل ما که در زندان هستیم وجود نخواهد داشت یعنی به جای ایجاد شک و خالی کردن جبهه کارگری دست به سازماندهی بزنید پیام زندانیان کارگری به ما و شما این است اما شما برای پنهان کردن ناتوانی و پاسیو بودن خود پیشروان را جاسوس قلمداد می کنید.

یک موضوع دیگری که باید گفت اینکه رفیق دیگر شما می گوید:

رفیق دیگری می گوید :

این نامه فقط میخواهد بگوید که پس از روی کار آمدن **روحانی** وضعیت زندانهای ایران به حدی از آزادی و عدالت رسیده که میتوان چنین **فحشهایی** را بر روح **خمینی** داد و هنوز زنده و سر و مر و گنده در زندان بود. محتوای دیگری ندارد .

ربطی به کارگران و زحمتکشان هم ندارد

یا خود شما می نویسید:

آیا ملاقات سه زندانی در سه شهر مختلف برای تبادل نظر و امضای بیانیه امکان پذیر است؟

باید به شما بگوئیم بله این امکان برای زندانیان وجود دارد اما نه آنطوری که شما می دانید بلکه متن اصلی این بیانیه یک سال قبل تهیه شده بود

<http://chzamani.blogspot.ca/2013/02/22.html>

و طی چند هفته امسال بین زندانیان فوق رد و بدل شده و به صورت جدید امسال در آمده است این دو جواب برای شما دارد یک اینکه این زندانیان هیچ توهمی در رابطه با حسن روحانی ندارند چرا که قبل حسن روحانی نیز این موضوع وجود داشت و اینکه اگر شما نوشته های شاهرخ را خوانده باشید می توانستید نظر او را در مورد حسن روحانی بدانید و چنین اشتباهی را مرتکب نشوید اگر نخواندید و نخوانده اظهار نظر کردید این عمل شما نادانی و نا جوانمردی است و اگر نظرات شاهرخ را خواندید و باز آگاهانه اقدام به ایجاد چنین شکی کردید باید در مقابل مبارزات طبقه کارگر پاسخ بدهید . مورد دیگر اینکه فقط نامه های شاهرخ نیست که از زندان به بیرون می آید بلکه در روز چندین نامه از زندانها بیرون می آیند آیا همه آن زندانیان جاسوس جمهوری اسلامی هستند ؟ اگر نه پس شما به چه دلیلی در رابطه با فعالین کارگری ایجاد شک می کنید ؟ آیا می خواهید بدانید این زندانیان از چه طریقی یا وسیله ای نامه هایشان را بیرون می دهند ؟ چرا می خواهید چنین اطلاعاتی فاش شود ؟ فاش شدن این اطلاعات

به سود کیست؟ و شما از فاش شدن این اطلاعات چه سودی می برید؟ شما یک بار نیز حدود ۳ یا ۴ ماه قبل چنین موردی را بیان کرده بودید و ما از طریق دوستی به شما پیام فرستادیم که ایجا شک نکنید که این عمل خدمت به جمهوری اسلامی است و آن دوست خبر داد که برای شما موضوع را تشریح کرده است اما باز شما راه خود را می روید این دیگر نمی تواند نا آگاهانه باشد.

محمد اشرفی
۱۳۹۲/۱۲/۱۰

--

نجات و رهائی انسان ، در گرو برقراری جامعه کمونیستی است. جامعه کمونیستی تنها با انقلاب سوسیالیستی با رهبری طبقه کارگر و برقراری دیکتاتوری پرولتاری ممکن خواهد شد. برای انقلاب و برقراری دیکتاتوری پرولتاری : " چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است. "

[آدرس وبلاگ من](#)

[آدرس کانال من در یوتیوب](#)